

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شیخ بهایی اصفهان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیوسته

رشته حقوق گرایش خصوصی

---

مرگ مغزی و آثار مدنی آن در حقوق ایران

---

مؤلف:

میلاذ ابوالحسنی خواجه

استاد راهنما:

دکتر ایوب احمد پور

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا امیر محمدی

آذر ۹۵

ب

به نام خدا

## منشور اخلاق پژوهش

با استانت از خدای بجان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ماست و به منظور انجام شایسته‌ی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بسازی زندگانی بشر، ما دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشگاه و پژوهشگاه‌های کشور:

- تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از هرگونه جعل و تحریف در خیالیت‌های علمی پرهیزی کنیم.
- حقوق پژوهشگران، پژوهیدگان (انسان، حیوان، گیاه و اشیاء)، سازمان‌ها و سایر صاحبان حقوق را بر رسمیت می‌شناسیم و در حفظ آن می‌کوشیم.
- به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارجح می‌نیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهتمام ورزیده و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم.
- ضمن پایداری به انصاف و اجتناب از هرگونه تبعیض و تعصب، در کلیه خیالیت‌های پژوهشی، رهیافتی قنادانه اتخاذ خواهیم کرد.
- ضمن امانت‌داری، از منابع و امکانات اقتصادی انسانی و فنی موجود استفاده بهره‌ورانه خواهیم کرد.
- از اتمار غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر اتمار موازی، پوشان و خندگانه (کله‌ای) پرهیزی کنیم.
- اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام خیالیت‌های پژوهشی خود قرار می‌دیم.
- در همه خیالیت‌های پژوهشی به منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم.
- خویش را ملزم به رعایت کلیه بنحارهای علمی رسته خود، قوانین و مقررات، سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی و راهبردهای ملی در همه مراحل پژوهش می‌دانیم.
- رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اقدامی فرهنگی می‌دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ، به ترویج و اشاعه آن در جامعه اهتمام می‌ورزیم.



دانشگاه شهید باهنر کرمان

### تعهدنامه

اینجانب ..... به شماره دانشجویی ..... دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته ..... دانشکده ..... دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده پایان نامه با عنوان ..... تحت راهنمایی ..... تأیید می‌کنم که این پایان‌نامه نتیجه پژوهش اینجانب می‌باشد و در عین حال که موضوع آن تکراری نیست، در صورت استفاده از منابع دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج شده است. همچنین موارد زیر را نیز تعهد می‌کنم:

- ۱- برای انتشار تمام یا قسمتی از داده‌ها یا دستاوردهای پایان‌نامه خود در مجامع و رسانه‌های علمی اعم از همایش‌ها و مجلات داخلی و خارجی به صورت مقاله، کتاب، ثبت اختراع و ... به صورت مکتوب یا غیرمکتوب، با کسب مجوز از دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد(ان) راهنما اقدام نمایم.
- ۲- از درج اسامی افراد خارج از کمیته پایان‌نامه در جمع نویسندگان مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه، بدون مجوز استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم و اسامی افراد کمیته پایان‌نامه را در جمع نویسندگان مقاله درج نمایم.
- ۳- از درج نشانی یا وابستگی کاری (affiliation) نویسندگان سازمان‌های دیگر (غیر از دانشگاه شهید باهنر کرمان) در مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه بدون تأیید استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم.
- ۴- کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوط به استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها را برای انجام پایان‌نامه رعایت نمایم.
- ۵- در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری، متعلق به دانشگاه شهید باهنر کرمان است و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست. همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد. چنانچه مبادرت به عملی خلاف این تعهدنامه محرز گردد، دانشگاه شهید باهنر کرمان در هر زمان و به هر نحو مقتضی حق هرگونه اقدام قانونی را در استیفای حقوق خود دارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو .....  
امضا و تاریخ:

آنها آدرس مورد قبول برای دانشگاه به این صورت می‌باشد:

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

نام و آدرس واحدهای دانشگاه در تولیدات علمی محققان دانشگاه به تشخیص بخش و دانشکده به شرح زیر می‌باشد:

Department of ....., Faculty of ..... Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

آدرس صحیح جهت درج در مقالات و سایر تولیدات علمی فارسی:

گروه (بخش) ....., دانشکده ....., دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

تقدیم به:

تقدیم به پدرم

کوهی استوار و حامی من در طول زندگی

تقدیم به مادرم

سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت و دعای خیرش پشتوانه ام خواهد بود.

تقدیم به برادرانم

همراهان همیشگی و پشتوانه های زندگی

## تشکر و قدردانی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم و آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه او، با زبان قاصر و دست ناتوان چیزی بنگارم.

اما از آنجا که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»، از پدر و مادر عزیزم، این دو معلم بزرگووارم که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی، یار و یاور بی چشم داشت برای من بوده اند و از استاد با کمالات و شایسته، **جناب آقای دکتر ایوب احمدپور** که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و با تقوا **جناب آقای دکتر محمد رضا امیرمحمدی** که زحمت مشاوره این پایان نامه را متقبل شدند و دوست عزیزم جناب آقای علی امجدی که بنده را همراهی نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## چکیده:

مرگ یک واقعه‌ی حقوقی است که آثار حقوقی زیادی دارد و در گذشته تشخیص آن به سادگی صورت می‌گرفت اما امروزه به دلیل پیشرفت‌های علم پزشکی دچار نوعی پیچیدگی و دشواری شده است. همین امر موجب ایجاد مسأله‌ای جدید با ماهیتی متفاوت به نام مرگ مغزی شده و تشخیص آن از حالت‌های مشابه از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل هدف ما در این پژوهش بررسی ماهیت مرگ مغزی، وضعیت حقوقی افراد مبتلا به مرگ مغزی و آثار ناشی از آن در حقوق ایران است. در خصوص ماهیت مرگ مغزی دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای فرد مبتلا به مرگ مغزی را زنده و عده‌ای دیگر چنین فردی را مرده تلقی می‌کنند. در این پژوهش دو دیدگاه مذکور و دلایل آن‌ها بررسی می‌شود. در این موضوع عرف خاص پزشکان بر عرف عام ترجیح دارد زیرا این موضوع امری تخصصی و از صلاحیت عرف عام خارج است. همچنین قانون پیوند اعضا و مرگ مغزی و آیین‌نامه اجرایی آن دلالت بر این دارد که افراد مبتلا به مرگ مغزی دچار مرگ قطعی شده‌اند. در زمینه آثار مرگ مغزی، احکام مرگ قطعی بر فرد دچار مرگ مغزی مترتب است.

**کلید واژگان:** حقوق ایران، آثار حقوقی مرگ مغزی، پیوند اعضا، مرگ مغزی

## فهرست مطالب

| صفحه    | عنوان  |
|---------|--|
| ۱.....  | مقدمه:                                       |
| ۴.....  | فصل نخست: مفهوم و ماهیت مرگ مغزی             |
| ۶.....  | مبحث نخست: کلیات و مفاهیم                    |
| ۶.....  | گفتار نخست: مفهوم شناسی روح و مغز            |
| ۶.....  | بند نخست: روح                                |
| ۷.....  | بند دوم: مغز                                 |
| ۸.....  | گفتار دوم: مفهوم مرگ و حیات                  |
| ۹.....  | بند نخست: مرگ و حیات در لغت                  |
| ۱۰..... | بند دوم: مرگ و حیات در بیان فقها             |
| ۱۱..... | بند سوم: مرگ و حیات در علم پزشکی             |
| ۱۴..... | گفتار سوم: بازبینی در تشخیص مرگ              |
| ۱۴..... | گفتار چهارم: ملاک و معیار تشخیص مرگ          |
| ۱۵..... | مبحث دوم: مفهوم و ماهیت مرگ مغزی             |
| ۱۶..... | گفتار نخست: پیشینه مرگ مغزی                  |
| ۱۶..... | بند نخست: پیشینه مرگ مغزی در جهان            |
| ۱۷..... | بند دوم: پیشینه مرگ مغزی در فقه و حقوق ایران |
| ۱۸..... | گفتار دوم: تعریف مرگ مغزی                    |



- گفتار سوم: معیارهای لازم در تشخیص مرگ مغزی ..... ۲۰
- گفتار چهارم: علت اهمیت مرگ مغزی ..... ۲۲
- گفتار پنجم: تفاوت مرگ مغزی با حالت های مشابه ..... ۲۲
- بند نخست: مرگ مغزی و کما ..... ۲۳
- بند دوم: مرگ مغزی و مرگ ظاهری ..... ۲۳
- بند سوم: مرگ مغزی و حیات غیرمستقر ..... ۲۴
- مبحث سوم: مرگ مغزی از نظر گاه علم پزشکی و فقه ..... ۲۵
- گفتار نخست: مرگ مغزی از دید گاه علم پزشکی ..... ۲۵
- گفتار دوم: مرگ مغزی از دید گاه فقه ..... ۲۶
- بند نخست: دلایل ارائه شده بر حیات فرد مبتلا به مرگ مغزی ..... ۲۶
- بند دوم: دلایل ارائه شده بر وفات فرد مبتلا به مرگ مغزی ..... ۲۸
- گفتار سوم: دید گاه مورد انتخاب ..... ۳۱
- نتیجه گیری فصل نخست: ..... ۳۳
- فصل دوم: وضعیت حقوقی مرگ مغزی و آثار ناشی از آن ..... ۳۴
- مبحث نخست: وضعیت حقوقی مرگ مغزی ..... ۳۶
- گفتار نخست: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در قوانین کشورها ..... ۳۶
- بند نخست: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در آمریکا ..... ۳۶
- بند دوم: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در استرالیا ..... ۳۷
- بند سوم: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در انگلستان ..... ۳۷

- بند چهارم: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در کشورهای عربی ..... ۳۸
- گفتار دوم: وضعیت حقوقی مرگ مغزی در ایران ..... ۳۸
- مبحث دوم: آثار مدنی ناشی از مرگ مغزی ..... ۴۱
- گفتار نخست: وضعیت حجر در مرگ مغزی ..... ۴۲
- گفتار دوم: انواع نمایندگی ها در مرگ مغزی ..... ۴۲
- گفتار سوم: احکام مالی و خانوادگی در مرگ مغزی ..... ۴۳
- گفتار چهارم: احکام مربوط به دیگران در رابطه با مرگ مغزی ..... ۴۳
- گفتار پنجم: احکام تجهیز میت در مرگ مغزی ..... ۴۳
- مبحث سوم: پیوند اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۴۴
- گفتار نخست: برداشت عضو و شیوه های فراهم سازی آن ..... ۴۵
- گفتار دوم: تعریف پیوند عضو و منابع تامین پیوند اعضا ..... ۴۶
- گفتار سوم: بررسی فقهی پیوند اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۴۷
- بند نخست: دلایل مخالفین برداشت اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۴۸
- بند دوم: تحلیل و نقد دلایل مخالفین برداشت اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۵۰
- بند سوم: دلایل موافقین برداشت اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۵۱
- گفتار چهارم: شرایط قانونی برداشت اعضای مبتلایان به مرگ مغزی ..... ۵۳
- بند نخست: وصیت بیمار یا موافقت ولی میت ..... ۵۳
- بند دوم: نقش حیاتی داشتن عضو پیوندی ..... ۵۴
- نتیجه گیری فصل دوم: ..... ۵۶

نتیجه گیری نهایی: ..... ۵۷

پیشنهادات: ..... ۵۹

فهرست منابع: ..... ۶۰

پیوست ها: ..... ۶۳

## مقدمه:

پدیده مرگ یکی از وقایع حقوقی است که دارای آثار حقوقی می باشد و اختلاف نظرهایی که در این رابطه وجود دارد شناخت آن را دشوارتر کرده است. از این رو تعیین زمان مرگ همواره به عنوان یکی از مسائل مهم فقهی و حقوقی مطرح بوده است و به نوعی تبدیل به یکی از نقاط اتصال حقوق و پزشکی شده است. میان مرگ و زندگی انسان در فقه و حقوق ارتباط عمیقی وجود دارد، زیرا انسان زنده دارای آثار و احکامی است که انسان مرده احکام و آثار مذکور را ندارد و به سبب مرگ، آثار و احکام بسیاری به او تعلق میگیرد. در گذشته توقف تنفس طبیعی و گردش خون به سرعت منجر به از بین رفتن کل اعمال مغز می شد و به نحوی مشابه توقف همه اعمال مغز به سرعت به توقف تنفس و گردش خون می انجامید و اگرچه مرگ در گذشته به صورت توقف برگشت ناپذیر اعمال حیاتی شامل قلب، تنفس و مغز بیان می شد ولی امروزه وجود دستگاههای تنفس مصنوعی و احیا باعث شده است که حفظ فعالیت های مغز با وجود نبود تنفس و گردش خون طبیعی ممکن شود و امروزه دیگر ایست قلبی و تنفسی منجر به مرگ یعنی از بین رفتن مغز نمی شود ولی توقف برگشت ناپذیر فعالیت مغز سرانجام منجر به مرگ می شود و همین مساله باعث شد که در تعریف مرگ بازبینی ایجاد شود و امروزه مرگ به صورت توقف برگشت ناپذیر اعمال مغزی تعریف می شود.

یکی از موضوعات مستحدثه و جدید در عصر حاضر که حاصل پیشرفت تکنولوژی های نوین علم پزشکی در دهه های اخیر است و مرتبط با مرگ می باشد، موضوع مرگ مغزی و پیامدهای ناشی از آن است و شاید در وهله اول به نظر برسد که این موضوع صرفاً یک موضوع پزشکی است لیکن با تاملی بیشتر در می یابیم که پرداختن به ابعاد فقهی و حقوقی این مساله اجتناب ناپذیر است. چرا که پژوهش و تحقیق در جنبه های گوناگون آن اهمیت بسزایی دارد و نیز با شبهه ها و تردیدهایی مواجه است. البته اهمیت این مساله زمانی وضوح بیشتری می یابد که بدانیم در پی تشخیص موضوع، آثار و پیامدهای چشمگیری به دنبال آن خواهد بود و بر حقوق و تکالیف عده زیادی تاثیر گذار می گذارد. بنابراین نیاز روز افزون جامعه به روشن ساختن وضعیت افراد مبتلا به مرگ مغزی و شناخت آثار و احکام مرتبط با آن ها از جمله احکام مالی و خانوادگی و حقوق و تکالیف دیگران در ارتباط با این افراد، وضعیت حجر در خصوص این افراد، برداشت اعضای مبتلایان به مرگ مغزی و ... و نیز تشخیص مرگ مغزی از حالت های مشابه بررسی مساله حاضر را ضروری می نماید.

مرگ مغزی گرچه اصطلاحی جدید است که در نیمه دوم قرن بیستم عنوان و تعریف شده است، ولی دامنه آن بسیار فراگیر شده است. امروزه هر کشوری با توجه به فرهنگ و ارزش های خود به گونه ای با مساله مرگ مغزی و آثار آن مواجه است، که باید این موضوع را با توجه به اصول و قواعد و ارزش های خود حل کند. از این رو حقوقدانان و قانون گذاران در سطح کشورهای مختلف با توجه به آثار این مساله به دنبال وضع قوانینی در این خصوص بوده اند. قوانین اکثر کشورهای پیشرفته جهان نظیر آمریکا، فرانسه و انگلستان مرگ مغزی را معادل مرگ تمام قسمت های مغز شمرده و در تعریف خود از مرگ گنجانده اند. جامعه پزشکی ایران نیز از این مهم دور نماند و در سال ۱۳۷۹ قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است را تصویب کرد.

لذا لازم دانسته شد برای کاستن خلاء های موجود، به ماهیت مرگ مغزی و آثار ناشی از آن و نیز وضعیت حقوقی افراد مبتلا به مرگ مغزی پرداخته شود.

در خصوص موضوع مرگ مغزی نظریات مختلفی ارائه شده است؛ عده ای افراد مبتلا به مرگ مغزی را مرده تلقی می کنند و گروهی دیگر افراد مذکور را زنده می دانند و بین آن ها از جهت زنده یا مرده بودن چنین افرادی اختلاف نظر وجود دارد و هدف آن ها این است تا ماهیت موضوع مرگ مغزی مشخص شود تا بتوانند آثار و احکامی را که بر افراد مبتلا به مرگ مغزی بار می شود بیان کنند. اما آنچه مسلم و مناسب به نظر می رسد این است که باید تشخیص موضوع مرگ مغزی به اهل خبره و پزشکان سپرده شود چرا که در این زمینه تخصص لازم را دارند و با توجه به معیارهای بالینی این موضوع را بررسی می کنند و در نتیجه احتمال خطا در تشخیص مرگ مغزی کاسته می شود و اطمینان از وقوع مرگ مغزی بالا می رود.

برای انجام این پژوهش تألیفات حقوقدانان کشور، یافته های سایر تحقیقات انجام شده در این مورد یا موارد مشابه و مقالات مندرج در نشریات ادواری مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا تألیفاتی نظیر کتاب «احکام فقهی و حقوقی مرگ مغزی» اثر امرالله نیکومنش موجود است که به بررسی ماهیت مرگ مغزی به طور کلی و بدون توجه به آثار مدنی و پیامدهای ناشی از آن و وضعیت حقوقی افراد مبتلا به مرگ مغزی پرداخته است.

همچنین می توان به مقالاتی از رضا محمدی کرجی با عنوان «ماهیت مرگ مغزی و آثار فقهی و حقوقی آن» و مقاله «مرگ مغزی از منظر حقوق اسلامی» از محمد مهدی توکلی و پایان نامه «پژوهشی در موضوع مرگ مغزی و بررسی تطبیقی احکام و حقوق مربوط به آن» نوشته رضیه ملک سنو اشاره کرد. در اغلب این آثار

اگرچه برای روشن شدن مباحث مختلف، استفاده از آن‌ها مفید بوده است اما در این مطالعات از مباحث مربوط به وضعیت حقوقی افراد مبتلا به مرگ مغزی در حقوق ایران، آثار مدنی ناشی از مرگ مغزی سخنی به میان نیامده است.

در این پایان‌نامه سعی شده است با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مقالات، قوانین و آیین‌نامه‌ها به بررسی ماهیت مرگ مغزی، پیامدها و آثار مدنی ناشی از آن پرداخته شود.

مطالب ارائه‌شده در این پژوهش در دو فصل تنظیم شده است. در فصل نخست با عنوان مفهوم و ماهیت مرگ مغزی به بیان مباحثی اعم از مرگ و حیات، ماهیت مرگ مغزی، پیشینه مرگ مغزی، مرگ مغزی از دیدگاه علم پزشکی و فقه پرداخته‌شده و در فصل دوم وضعیت حقوقی مرگ مغزی و آثار و پیامدهای ناشی از آن مورد بحث قرار گرفته است.

# فصل نخست: مفهوم وماهیت مرگ مغزی

تحولات و پیشرفت های علمی و تکنولوژی همواره با خود برای جامعه انسانی مسائل و پدیده های نوظهوری به همراه دارد و معمولاً سالها طول می کشد تا نظام های مختلف اجتماعی بتوانند خود را با این مسائل هماهنگ کنند. این تاخیر تا حد زیادی به علت بیان نکردن جوانب مختلف موضوع جدید برای تصمیم گیرندگان و رهبران فکری و سیاسی جامعه است.

تعیین مرز و حدود موضوعات هر علم، مسأله ای قدیمی است که بین فقها از گذشته در این مورد بحث و اختلاف نظر وجود داشته تا جاییکه بعضی از آنها معتقدند، تعیین این مرز ضروری به نظر نمی رسد. در هر صورت چه معتقد بر ضرورت تعیین موضوع هر علم باشیم یا اینکه چنین اعتقادی نداشته باشیم، مسأله اصلی این است که موضوعات بعضی از علوم با یکدیگر مشترک هستند، به عبارت دیگر بعضی از زمینه ها می تواند در عین حال موضوع دو یا چند علم باشد، به طوری که هر علم، آن موضوع را از زاویه خاص خود مورد بررسی قرار دهد.

در رابطه با پدیده مرگ، یکی از این زمینه ها مسأله مرگ مغزی است که در علم پزشکی و فقه از دو زاویه مختلف مورد توجه قرار گرفته است و اذهان فقها و پزشکان را به خود مشغول داشته است. بنابراین در این فصل ابتدا به بررسی کلیات و مفاهیم و سپس مفهوم و ماهیت مرگ مغزی پرداخته، آنگاه مرگ مغزی را از نظرگاه فقه و علم پزشکی مورد بررسی قرار می دهیم تا پیش زمینه ای کافی بتوان در فصل بعد به راحتی به بررسی مباحث پرداخت.



## مبحث نخست: کلیات و مفاهیم

مفهوم مرگ و حیات بسیار پیچیده است و اختلاف نظرهایی که در خصوص این مساله وجود دارد شناخت آنها را دشوارتر کرده است. از آنجای که در فقه اسلامی، واقعیت مرگ و حیات، موضوع حکم شرعی قرار گرفته است، این مسأله نه تنها برای تمام انسانها حائز اهمیت است بلکه برای پزشکان و فقها نیز با اهمیت تر میباشد. بنابراین برای اینکه ماهیت مرگ مغزی را بشناسیم لازم است قبل از آن فهم کاملی از مرگ و حیات داشته باشیم تا بتوانیم مرگ مغزی را در یکی از این دو حالت قرار دهیم. برای شناخت این قضیه باید ابتدا روح و مغز را شناخته و مورد بررسی قرار دهیم چرا که در تعریف مرگ در فقه و علم پزشکی به این دو اشاره شده است و سپس به مفهوم شناسی مرگ و حیات از نظر لغوی و فقه و علم پزشکی بپردازیم تا ملاک و معیار تشخیص مرگ مشخص گردد.

## گفتار نخست: مفهوم شناسی روح و مغز

این دو واژه دارای مفهوم متفاوتی هستند و از آنجایی که شناخت مرگ و حیات برای فهم دقیق و صحیح از مرگ مغزی لازم می باشد، مفهوم شناسی روح و مغز ضروری میگردد. در ادامه به تبیین و تعریف آنها میپردازیم.

## بند نخست: روح

کلمه روح<sup>۱</sup> به معنی مبدا حیات است که جاندار به وسیله آن قادر بر احساس و حرکت ارادی می شود و روح در عرف، مقابل جسم و به معنای نفس، جان و روان است. تحقیق و بررسی در آیات قرآن کریم بیانگر آن است که حقیقت روح و نفس بر همگان مجهول مانده است. صریح متن قرآن نشان دهنده این جریان تاریخی است که مشرکین و اهل کتاب از رسول خدا (ص) درباره حقیقت روح سوال کردند و در پاسخ آنان این آیه نازل گردید: «و یسألونک عن الروح قل الروح من امر ربي وما اوتیتم من العلم الا قلیلاً»<sup>۲</sup>. با توجه به این آیه در می یابیم که پرسش کنندگان از حقیقت روح آدمی سوال می کردند، همین روح عظیمی که قوه آثار

1. Spirit

<sup>۲</sup>. موسوی بجنوردی، محمد؛ نبی لو، شهناز، بررسی فقهی و حقوقی مرگ مغزی، فصلنامه علمی و پژوهشی نامه الهیات، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۷

<sup>۳</sup>. قرآن کریم، سوره الاسراء، آیه ۸۵

گوناگون و تمام قدرت و فعالیت ما از آن سرچشمه گرفته است. در اسلام از ماهیت و مفهوم آن چندان سخنی به میان نیامده است و به ذکر کلیاتی از قبیل امر الهی و مخلوقی از خداوند اشاره شده است.

فیلسوفان روح را گوهری مجرد و بسیط برشمرده و از آن روکه تعلق و ارتباطی با بدن داشته و مدبر آن است آن را نفسانی یا نفس ناطقه می نامند.<sup>۴</sup> بنابراین روح، گوهری است که مالک شخصیت واقعی انسان بوده و حیات بدن، اراده و افعال انسانی بستگی به ارتباط با آن دارد و ساختاری مغایر با ساختار بدن داشته که اصول حاکم بر آن غیر از اصول حاکم بر بدن است.

## بند دوم: مغز

مغز به عنوان پیچیده ترین عضو بدن جایگاه احساسات، تفکر، تعقل و بسیاری از واکنش های انسان است که ازدو نوع سلول های عصبی خاکستری و سفید تشکیل شده و فضای داخلی جمجمه را پر کرده است. مغز ارگانی از بدن است که از نظر وزن ۲ تا ۳ درصد آن را تشکیل می دهد در حالی که این ارگان کوچک ۲۰ تا ۳۰ درصد جریان خون بدن را مصرف می کند و به همین مقدار از اکسیژن مورد نیاز بدن صرف مغز میشود.<sup>۵</sup> خداوند با قرار دادن این سیستم شریان قوی در مغز، خلقت انسان را به گونه ای قرار داده که در شرایط عصبی و عادی اگر میزان جریان خون در هر نقطه بدن کم شود، جریان خون مغز تامین شود جز در شرایط بحرانی.

رسیدن اکسیژن به حدی ضروری و فوری است که اگر ۵ تا ۱۰ دقیقه اکسیژن توسط خون به مغز نرسد، مغز فعالیت خود را از دست داده و دیگر امکان دستیابی به فعالیت مغزی نخواهد بود. مغز انسان از بخش های مختلفی تشکیل شده که هر یک از آنها مخصوص کنترل بخشی از فعالیت های بدن است:

۱- مخ<sup>۶</sup>: بزرگترین قسمت تشکیل دهنده مغز است که خود از دو نیم کره چپ و راست تشکیل شده است و بخش عمده فضای داخل کاسه سر را اشغال کرده است. کنترل اعمال ارادی و فعالیت های عقلی انسان مانند تکلم، یادگیری، حافظه، هوش و حس های مختلف مانند بینایی، بویایی، شنوایی، لامسه، چشایی به عهده مخ

<sup>۴</sup> . ستوده، حمید؛ کلهرنیگلکار، میثم، مرگ مغزی از ماهیت تا احکام و آثار فقهی و حقوقی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۱،

ص ۱۱۷

<sup>۵</sup>.Brain

<sup>۶</sup> . نیکومنش، امراله، احکام فقهی و حقوقی مرگ مغزی، چاپ اول، ص ۴۳

<sup>۷</sup>.Cerebrum

می باشد.<sup>۸</sup> آسیب گسترده به مخ، عملاً تمام فعالیت های مذکور را که فعالیت های عالی انسانی هستند، مختل می کند و در این حالت بیمار قادر به شنیدن، تکلم، شناخت محیط اطراف خود و واکنش به محرکات خارجی نیست.

۲- مخچه<sup>۹</sup>: بخش گسترده ای از مغز است که در زیر نیم کره های مغزی قرار گرفته است که وظیفه اصلی آن کنترل حرکات، تعادل بدن و فعالیت های عضلانی می باشد.<sup>۱۰</sup>

۳- ساقه مغز<sup>۱۱</sup>: بخش بسیار مهمی از مغز است که در پایه مغز واقع شده که خود از سه قسمت بصل النخاع<sup>۱۲</sup>، پل مغزی<sup>۱۳</sup> و مغز میانی<sup>۱۴</sup> تشکیل شده است. کنترل تنفس، دستگاه قلبی - عروقی، کنترل اعمال گوارشی و کنترل بسیاری از اعمال غیرارادی بدن به عهده ساقه مغز می باشد.<sup>۱۵</sup>

ساقه مغز به عنوان ایستگاهی برای پیام های دستوری مراکز قشر مغزی عمل می کند. این پیام ها که برای هدایت اعمال خاص کنترلی در سراسر بدن ارسال می شود، به ایستگاه ساقه مغز منتقل شده و از آنجا به سراسر بدن منتقل می گردند.

## گفتار دوم: مفهوم مرگ و حیات

یکی از پیچیده ترین موضوعاتی که بشر از ابتدای خلقت با آن مواجه بوده است و در مقابل آن همواره ناتوان بوده، مساله مرگ و حیات است و موضوع مرگ به جهت تقابل با مفهوم حیات در تمامی جوامع، بحثی مورد اختلاف میان پزشکان و فقها بوده است. امروز تعریف مرگ و حیات از جانب جامعه پزشکان و مخصوصاً متخصصان مغز و اعصاب تغییر اساسی کرده است به صورتی که عوامل موثری بر تعریف مرگ و حیات اضافه شده است. پدیده مرگ و حیات که به تدریج در دو حوزه ی حقوق خصوصی و حقوق جزا بار حقوقی یافت دارای آثار قابل توجهی است؛ از همین رو تعیین زمان مرگ و حیات انسان ها همواره به عنوان یکی از مسائل

<sup>۸</sup> . ستوده، حمید، پردازشی به مرگ مغزی از نگاه فقه و حقوق، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، سال هفدهم، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۵

<sup>۹</sup>.Cerebellum

<sup>۱۰</sup> . ستوده، حمید، همان، ص ۱۳۶

|                      |   |
|----------------------|---|
| 1. Brain Stem        | 1 |
| 1. Medulla Oblongata | 2 |
| 1. Pons              | 3 |
| 1. Midbrain          | 4 |

<sup>۱۵</sup> . نیکومنش، امراله، همان، ص ۴۴

فقهی و حقوقی مطرح بوده است و به نوعی تبدیل به یکی از نقاط اتصال فقه و پزشکی شده است. با توجه به اینکه مرگ مغزی یکی از اقسام مرگ شمرده شده است، از این رو تبیین مفهوم لغوی فقهی و پزشکی مرگ و حیات به عنوان پیش نیاز این بحث ضروری به نظر می رسد.

### بند نخست: مرگ و حیات در لغت

مرگ<sup>۱۷</sup> در لغت به معنای باطل شدن قوت حیوانی و حررات غریزی، پرواز کردن مرغ روح، قالب تهی کردن، جان سپردن و از بین رفتن حیات آمده است.<sup>۱۷</sup> حیات به معنای قوه رشد و نمودهنده و مرگ به معنای زوال این قوه می باشد.

حیات قوه نمو، حس، عقل و شعور است و موت نابود شدن این قوه؛ بنابراین موت و حیات معنایی نقیض یکدیگر دارند. درجایی آمده است که حیات به صورت قوه نمو و رشد و موت به معنای از بین رفتن قدرت رشد و نمودهنده در حیوان و نبات می باشد که معنای عام و فراگیر آن، شامل قوه حسیه و عاقله هم میشود.<sup>۱۸</sup> بنابراین در لغت مرگ وقتی محقق می شود که قوه نمو و آنچه باعث تحرک و رشد و نشاط است برای همیشه و به صورت دائم نابود گردد. در فرهنگ لغت عربی نیز موت به معنای مرگ است. در هر صورت مفهوم مرگ و حیات در عرف بدیهی و روشن است و در کتابهای لغت این دو واژه از نظر معنا، در مقابل یکدیگر بیان شده اند.

با توجه به آنچه گفته شد می توان دریافت که نخست، مرگ و حیات از جمله مفاهیمی هستند که معنای متضادی دارند و اینگونه در تعاریف آمده اند. دوم، در پدیده مرگ آنچه باعث رشد و بالندگی و تحرک و نشاط است، به صورت دائم نابود می گردد. سوم، با توجه به تعبیری که از مرگ و حیات شد، نبود آثار حیات، نشان دهنده وقوع مرگ و موت است.

1. Death

<sup>۱۷</sup> . دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، جلد دوازدهم، ص ۱۲۳۲

<sup>۱۸</sup> . پورجوهری، علی، پیوند اعضاء در آئینه فقه، چاپ اول، صص ۱۱۱-۱۱۰